



انترناسیونال ۴۷۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



www.m-hekmat.com منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۱ مهر ۱۳۹۱، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

جنبش علیه اعدام، یک گام بزرگ به پیش



بهروز مهرآبادی

در مصاحبه با روزنامه های آلمان، درباره آنها صحبت کند و از خطر بزرگی که هر روز جان بسیاری از زندانیان را تهدید می کند، بگوید.
برای ناظر بی اطلاع شاید عجیب باشد که چگونه از پس دیوارهای بتونی زندان و از درون حصار فولادین سانسور جمهوری اسلامی به دور ایران، زندانیان چگونه از فعالیت های مینا احدی و برنامه های کمیته بین المللی علیه اعدام باخبر می شوند. اما کسی که قدرت و نفوذ جنبش "علیه اعدام" و محبوبیت آن را در بین مردم ایران میداند، از این امر تعجب نمی کند. جنبشی که نمایندگان آن نه فقط در شهرهای ایران بلکه در بسیاری از کشورهای جهان حضور دارند و فعالیت می کنند. بر پرچم این جنبش نام منصور حکمت نوشته شده است. کسی که طرح "لغو مجازات اعدام" را در برنامه حزب کمونیست کارگری قرار داد و صداهای پراکنده مخالفین اعدام را در سطح یک مطالبه فوری سیاسی و یکی از مبانی ضروری برای ساختن یک جامعه انسانی بالا برد و پایه های بوجود آمدن یک جنبش قدرتمند را بنا

در زندانهای ایران کسی به روزنامه های آلمان، برزیل و یا ایتالیا دسترسی ندارد و هیچ زندانی در خواب هم برنامه تلویزیونی اتریش را نمی بیند. حتی امکان دسترسی به روزنامه های منتشر شده در جمهوری اسلامی و یا شنیدن و دیدن اخبار صدا و سیما رژیم که از دهها فیلتر سانسور گذشته اند، برای همه زندانیان وجود ندارد. اما بسیاری از زندانیان مینا احدی را می شناسند. به شیوه های مختلف برایش پیام می فرستند از داخل زندان به او تلفن می زنند و در مورد پرونده خود و یا همبندی هایشان که خطر اعدام تهدیدشان می کند، صحبت می کنند و کمک می خواهند. از او می خواهند که در کنفرانس خود در برزیل، یا هنگام شرکت در برنامه تلویزیونی در اتریش و یا

ادامه صفحه ۳

تنها راه حل سرنگونی جمهوری اسلامی است

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد تظاهرات اخیر مردم علیه فقر و گرانی

انترناسیونال: روز چهارشنبه هفته قبل مردم در تهران و چند شهر دیگر تظاهرات نسبتا وسیعی علیه رژیم داشتند. تعداد تظاهرکنندگان در تهران تا بیست هزار نفر گزارش شده است. شما در مصاحبه تان این تظاهرات را جرقه ای از شرایط انفجاری که حزب پیش بینی میکرد دانستید. ممکن است مشخصا توضیح بدهید این شرایط انفجاری ناشی از چه عواملی است؟ کلا چه

تبیینی از وضعیت سیاسی حاضر دارید؟
حمید تقوایی: جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی کاملا

ادامه صفحه ۲

ترس و وحشت مرتجعین از تحصیل زنان و دختران

سهیلا شریفی

شد. این دختر نوجوان عضو کمپین مبارزه برای تحصیل دختران است و بخاطر تلاشهایش برای متحقق کردن تحصیل دختران در منطقه دره سوات که مدتی تحت کنترل طالبان بود جایزه شجاعت دریافت کرده و گفته می شود کاندید جایزه

در خبرها آمده بود که یک دختر چهارده ساله پاکستانی هنگام بازگشت از مدرسه به همراه یکی از دوستانش مورد حمله یکی از اعضا گروه طالبان قرار گرفت و زخمی

صلح نوبل هم بوده است. زمانیکه طالبان کنترل دره سوات را در دست میگیرند دستور بسته شدن مدارس دخترانه را صادر کردند و اگر می فهمیدند دختری به مدرسه می رود

ادامه صفحه ۱۳

بازتاب هفته

آزادی زندانیان سیاسی در مصر به دولت جدید تحمیل شد!

محمد شکوهی

کارنامه ی مردودی نیروی انتظامی در پروژۀ ی حجاب!

مهراب دشتی

گرسنگی و منطق سرمایه

بهروز مهرآبادی

صفحات ۴-۵

صفحات دیگر

تعداد کشته شدگان کارگران معادن در آفریقای جنوبی به ۴۹ نفر رسید

فاضل نادری

تعدد زوجات نمونه ای از فرهنگ سازی اسلامی!

فرح صبری

گزارش تجمع کارگران شرکت واحد در مقابل شهرداری و پیروزی کارگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تنها راه حل سرنگونی جمهوری اسلامی است



حمید تقوائی

از صفحه ۱

درمانده شده و به بن بست رسیده است. ما همیشه گفته ایم که اقتصاد درهم ریخته جمهوری اسلامی علل و ریشه های سیاسی دارد و امروز باید گفت که تحلیل حزب ما از فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی و علل و ماهیت سیاسی این بحران به یک تبیین پذیرفته شده و عمومی از شرایط ایران و نظر حتی بسیاری از مفسرین و رسانه های رسمی تبدیل شده است. اکنون دیگر مثل روز روشن است که نه تنها جمهوری اسلامی قابلیت سر و سامان دادن به اقتصاد ایران - در همان حد سرمایه داری متعارف در کشورهای دیگر - را ندارد بلکه نفس وجود این رژیم و سیاستهای ارتجاعی آن برای حفظ خود در قدرت عامل اصلی و تعیین کننده در ایجاد بن بست و فروپاشی اقتصادی حاضر است و هیچ نسخه "اصلاح طلبانه" ای نظیر "گشایش اقتصادی" و "هدفمند کردن یارانه ها" و "مدیریت علمی" و غیره و غیره نیز دردی از این حکومت دوا نخواهد کرد. تنها راه حل سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در این نیز کسی تردید ندارد که تاثیر این شرایط وخیم اقتصادی بر زندگی توده مردم، گرانی و بیکاری و ناتوانی در تامین معیشت روزانه در ابعادی دهشتناک و بیسابقه است. این وضعیت برای کارگران و توده مردم زحمتکش و کارکن قابل تحمل

نیست و همین واقعیت است که به وضعیت سیاسی در ایران یک حالت کاملاً ناپایدار و مترلزل و انفجاری می بخشد. تظاهرات هفته قبل تنها بارقه ای از آتش خشم مردم بود اما اعتراضات و مبارزه علیه این وضعیت مدتهاست در اشکال مختلفی در جامعه جریان دارد. مشخصاً جنبش کارگری با مبارزات گسترده و بیوقفه اش نظیر مبارزات کارگران پترو شیمی، مبارزات معلمان، مبارزات بازنشستگان ذوب آهن اصفهان و طومار بیست هزار نفره کارگران علیه گرانی و با خواست افزایش دستمزد، در صف مقدم مقابله با وضعیت فلاکتناز حاضر قرار گرفته است. همه میدانند این وضعیت قابل ادامه نیست اما آنچه باید به باور عمومی تبدیل بشود این واقعیت است که کلید تغییر این شرایط در دست کارگران و توده مردمی است که از این وضعیت به تنگ آمده اند. تنها راه حل ممکن و مطلوب برای توده نود و نه درصدی در ایران بزیر کشیدن حکومت اسلامی بقدرت یک انقلاب توده ای است. راه دیگر وجود ندارد.

انترناسیونال: تاثیر تحریم ها در این ایجاد وضعیت چیست؟ آیا با رفع تحریمها مشکلات اقتصادی رژیم و مشکلات مردم حل میشود؟

حمید تقوائی: تحریمهای اقتصادی تاثیر مهمی در کاهش بیسابقه ارزش ریال و رشد صعودی قیمتها داشته است. و این خود عامل موثری هم در تلاشی و بن بست اقتصادی حکومت و هم در تشدید و توسعه فقر و فلاکت گریبانگیر توده مردم بوده است. به همین دلیل سیاست تحریم اقتصادی آمریکا و دولتهای غربی را باید بعنوان یک سیاست ارتجاعی و ضدانسانی که قربانیانیش توده مردم در جامعه

هستند، محکوم کرد و خواهان لغو فوری آن شد. اما مساله فقط تحریمها نیست. به نظر من محدود کردن مساله به تحریمهای اقتصادی، اگر از سیاستهای پرو رژیم ناشی نشده باشد، در بهترین حالت دیدی سطحی و کوتاه بینانه است و واقعیات پایه ای تری را نادیده میگیرد. اولاً فقر و گرانی و بیکاری و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر رسمی - تازه آنجا که دستمزدها پرداخت میشود - منحصر به یکی دو ساله اخیر و دوره تحریمها نیست بلکه یک مساله مزمن و تشدید شونده در تمام طول حیات جمهوری اسلامی بوده است. بعبارت دیگر تحریمهای اقتصادی موجد این وضعیت نیست بلکه تنها عامل تشدید آن است. ثانیاً خود این تحریمها یک فاکتور سیاسی در مناسبات میان دولتهای غربی با جمهوری اسلامی است. مساله در قالب مخالفت دولتهای غربی با پروژه هسته ای رژیم - که خود یک سیاست تماماً ارتجاعی است - بروز یافته است اما موضوع فراتر از این است. هدف آمریکا و دولتهای غربی هرس کردن جمهوری اسلامی از سیاستهای ضد غربی و گنجاندن آن در چارچوب سیاستهای مطلوب غرب بخصوص در سطح منطقه است. اما برای جمهوری اسلامی دست کشیدن از ضد آمریکائی گری ممکن نیست. کوتاه آمدن جمهوری اسلامی در برابر انتظارات دول غربی به معنی دست کشیدن حکومت از اسلام سیاسی و یا حداقل رضایت دادن به اسلام "خوش خیم" پروغربی و یا غیر متخاصم باغرب - نظیر اخوان المسلمین مصر و حزب عدالت و توسعه ترکیه - است و این یعنی پایان جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی نمیتواند از اسلام سیاسی ضد آمریکائی دست بکشد بی آنکه سابقه و هویت و فلسفه وجودی خود را نفی کند. البته برای توده مردم مساله

کاملاً متفاوت است. از نقطه نظر مردم کل این تقابل میان دولت آمریکا و همپیمانان غربی اش با جمهوری اسلامی و سیاستهای منتج از آن - تحریم اقتصادی و تهدیدات جنگی غرب و ضدآمریکائی گری و سیاستهای منطقه ای جهانی جمهوری اسلامی در حمایت از نیروهای اسلامی و غیره - از هر دو سو ارتجاعی و ضد انسانی است. باید در برابر هر دو قطب ایستاد و این تقابل ارتجاعی را با تعرض انقلابی مردم پاسخ گفت.

تا آنجا که به مساله مورد بحث ما مربوط میشود باید گفت بن بست اقتصادی امروز رژیم خود ناشی از بن بست سیاسی در رابطه میان غرب و جمهوری اسلامی است. این بحرانی ماهیتاً سیاسی است. جمهوری اسلامی و رسانه ها و نیروهای سیاسی راست در اپوزیسیون سعی دارند مساله را به تحریم اقتصادی محدود کنند و از "بی لیاقتی" و "ندانم کاری رژیم" در رابطه اش با دولتهای غربی شکوه و شکایت کنند. هدف این تقلاها کتمان این واقعیت است که ریشه مساله نفس وجود جمهوری اسلامی است و تا این حکومت بر سر کار است، با یا بدون تحریمها و با یا بدون ضد گریبگری، گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت در جامعه ایران بیداد خواهد کرد. نباید فراموش کرد که یک جزء اعتراض مردم به تحریمها، همانطور که یک جزء اعتراضشان به جنگ و تهدیدات جنگی، اعتراض به جمهوری اسلامی است. نه به تحریم اقتصادی، نه به جنگ و نه به جمهوری اسلامی، این حرف دل مردم ایران در وضعیت حاضر است.

باید خواهان قطع فوری تحریمهای اقتصادی بود و در عین حال باید خواست که جمهوری اسلامی از نظر سیاسی از جانب همه دولتها و نهادهای بین المللی تحریم بشود. چرا که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی

مشکلات و مصائب معیشتی مردم نه حل خواهد شد و نه حتی تخفیف خواهد یافت. جمهوری اسلامی باید بقدرت انقلابی مردم ایران سرنگون شود و تحریم سیاسی حکومت گام مهمی در این جهت است.

انترناسیونال: اجازه بدهید به تظاهرات هفته گذشته برگردیم. این تظاهرات از بازار و اعتراض بازاریان شروع شد. به نظر شما دلایل اعتراض بازار چیست و چه رابطه ای با اعتراضات توده مردم دارد؟

حمید تقوائی: اعتراض بازاریان ربطی به اعتراضات کارگران و توده مردم ندارد. بازاریان به توقف تجارت و کار و کسب خود معترض هستند و توده مردم به توقف زندگیشان. سقوط شدید ارزش ریال معامله و تجارت را - در همان حدی که قبل از تحریمها عملی بود - برای بازاریها ناممکن کرده است و بازار به این وضعیت معترض است. این اعتراضی است به گرانی دلار و اختلال در معاملات و نه گرانی گوشت و نان و مایحتاج اولیه معیشتی مردم. بهمین دلیل هم با رفع تحریمها و یا حتی تخفیف آن تا حد زیادی مساله بازاریها هم حل خواهد شد، اما گرانی و بیکاری و بی تامینی اقتصادی گریبانگیر توده مردم کماکان بر سر جای خودش خواهد ماند. این مصائب همانطور که در ستوال قبلی توضیح دادم ناشی از تحریمها و یا گرانی نرخ ارز نبوده است که با لغو تحریمها حل بشود. بنابر این هم ریشه های نارضایتی بازاریان و هم راه حل آن اساساً از مسائل اقتصادی و معیشتی مردم متفاوت است. همین خصوصیت باعث میشود تا نارضائی بازار در کشمکشهای درونی جناحهای حکومتی نقش پیدا کند و دار و دسته های حکومتی تلاش کنند تا از آن علیه یکدیگر استفاده کنند.

ادامه صفحه ۷



بر پرچم مبارزه با اعدام . قتل عمد دولتی . نام منصور حکمت نوشته شده است

را از چنگال این جانور بیرون بکشد. سوریه شکل گرفته است. مخالفت با اعدام، شاخص مهمی برای نشان دادن سطح بالاتر و متفاوت تر جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه مردم ایران می تواند باشد و بدون تردید پس از اوجگیری این جنبش، در دو سال گذشته در کشور های مختلف نظیر مصر، تونس، لیبی و

افشاگری های کمیته علیه اعدام چهره جنایتکار و کثیف جمهوری اسلامی را به جهانیان نشان داد و اعتراضات بین المللی را بر علیه آن برانگیخت و در چند مورد توانست مانع انجام صدور احکام اعدام شود. کمیته علیه سنگسار با حرکت درخشان خود در اعتراض به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی پرونده او را به یک کمپین جهانی تبدیل نمود و مانع انجام حکم سنگسار او شد. این کمیته توانست حکم سنگسار یعنی شنیع ترین آدمکشی دولتی از نوع اسلامی آن را بطور دوفاکتو در ایران براندازد. به همراه این دو کمیته مبارزه با اعدام نقطه درخشانی در فعالیت های اعضا و کادر های حزب کمونیست کارگری و همواره بعنوان یکی از فعالیت های مداوم این حزب قرار داشته است.

جمهوری اسلامی مفلوکتر، درمانده تر و در عین حال درنده تر از همیشه هر روز تعدادی را اعدام می کند و هر روز رکورد تازه ای از جنایت از خود بجا می گذارد. حکومت اسلامی به مردم رسماً اعلام جنگ داده است. در چنین وضعیتی اهمیت "جنبش علیه اعدام" بیشتر از همیشه دیده میشود. "اعدام" مهمترین ابزار بقای جمهوری اسلامی است و جنبش "علیه اعدام" می رود تا آن

جنبش علیه اعدام، یک گام بزرگ به پیش

از صفحه ۱

استقبال قرار گرفته و از آن استفاده می شود. در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی کمتر نیروی سیاسی باقی مانده است که به آبرو و اعتبار خود علاقه داشته باشد و با اعدام یعنی "شنیع ترین قتل عمد" مخالفت نکرده باشد. فقط معدودی از عقب مانده ترین و وامانده ترین احزاب و گروه های سیاسی در مورد این خواست مهم خاموش مانده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار با شروع فعالیت خود خیلی زود توانستند بعنوان دو نهاد معتبر و سرشناس بین المللی مطرح شوند.

تحت فشار این جنبش بود که حتی بعضی از دست راستی ترین احزاب و شخصیت های سیاسی ایران ناچار شدند تا "لغو مجازات اعدام" را در برنامه خود قرار دهند. منصور حکمت پوسته موقرانه "اعدام" را شکافت و شناخت و غیر انسانی بودن این آدمکشی دولتی را در معرض دید ها قرار داد. تبیین منصور حکمت از اعدام بعنوان "قتل عمد دولتی" نه تنها در اپوزیسیون ایران بلکه در سطح بین المللی و توسط نیروها و نهاد های مخالف اعدام مورد



مینا احدی شخصیت برجسته جهانی در مبارزه علیه اعدام

منصور حکمت، مصاحبه با رادیو انترناسیونال ۱۸ آبان ۱۳۷۹

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

جامعه، کار برای جامعه و محروم بودن از محبت جامعه قرار بدهند، به نظر من کار عظیمتری کرده اند. به نظر من آخوندها و پاسداران و کسانی که این حکومت را سر پا نگاه داشتند و با کشت و کشتار تا اینجا آورده اند، باید خودشان را به مردم تسلیم کنند و امیدوار باشند که مردم این عدالت را آنطور که ما میگوییم اجرا میکنند.

ممکن است برای آدمی یک لحظه تسلی باشد که این جنایتکاران را به این روز در آورده اند. ولی بطور واقعی اگر سران جمهوری اسلامی را بگیرند، محاکمه بکنند و با جنایاتشان روبرو بکنند و بگذارند بشریت این را ببیند و بعد این آدمها را در جایی که واقعا حقشان است یعنی در موضع پس دادن تقاض جنایاتشان، بصورت خدمت به

به نظر من اگر مردم ایران انقلاب کنند که دارند میکنند و سران جمهوری اسلامی را بگیرند، که خواهند گرفت بنظر من و بعد نشان بدهند که اینها را نمیکشند بلکه حقارتشان را به نمایش میگذارند، بسیار تاثیر عظیم تری در سرنوشت جهان میگذارند تا اینکه بطور مثال رفسنجانی و خامنه ای را خرکش بکنند و اعدامشان بکنند. آن

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

آزادی زندانیان سیاسی در مصر به دولت جدید تحمیل شد!



محمد شکوهی

در خبرها آمده است که گویا محمد موری رئیس جمهور مصر زندانیان را مورد عفو قرار داده و قرار است در روزهای آینده تعداد زیادی از زندانیان آزاد شوند. براساس این خبر: "کلیه متهمین و محکومانی که که بین روز اول انقلاب، یعنی از ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی و ژوئن امسال دستگیر شده اند مشمول این عفو می شوند، به استثنای افرادی که متهم به قتل هستند یا به این جرم محکوم شناخته شده اند. به اجرا در آمدن این فرمان می تواند به آزادی هزاران نفر منجر شود.

اینکه موری تصمیم به این کار گرفته است، از سر خیرخواهی و "دموکرات بودن" وی نیست. اعلام این دستور نتیجه یک مبارزه و رویارویی مردم مصر، بویژه خانواده ها و بازماندگان انقلاب مصر می باشد. اکنون که بیش از یک سال از انقلاب مصر میگذرد، دولت کنونی مصر بارها پیرامون خواست آزادی همه زندانیان سیاسی دوره مبارک، سکوت کرده و آگاهانه آن را به عقب انداخته است. در همین رابطه و بعد از سرنگونی رژیم مبارک، خانواده های زندانیان و گروههای مدافع حقوق و آزادیهای شهروندی در فضا و جو بوجود آمده بعد از انقلاب، موضوع خواست آزادی

و لوکسس، سازمان داده و بخشا افکار عمومی را برای آزادی همه زندانیان، مهیا نماید.

اکنون بعد از گذشت بیش از یک سال از اعتراض و مبارزه برای آزادی همه زندانیان و به دنبال افشاگریهای گسترده از بد رفتاری در زندانها بعد از انقلاب، پارلمان و بخشا دولت جدید زیر فشار بیشتر افکار عمومی گرفت و ناچار به واکنش به این موضوع شد. در همین رابطه پارلمان جدید مجبور شد کمیسیون ویژه ای را برای تهیه آمار و لیست زندانیان و دلایل زندانی شدن آنها تهیه و به پارلمان ارائه دهد. در پارلمان مصر بحث های زیادی درباره گزارش این کمیسیون صورت گرفت و نهایتا پارلمان به دولت توصیه کرد که: "بهتر است همه زندانیان را آزاد نماید، تا بدین وسیله اعتماد عمومی مردم به دولت جدید جلب شود." در ادامه این اعتراضات و مبارزات پرشور و ادامه دار بود که جناب موری مجبور شده است "فرمان آزادی زندانیان را صادر نماید". تحمیل این خواست به دولت جدید خود نشان از ادامه اعتراضات و مبارزات اجتماعی در مصر بعد از انقلاب داشته و نشان میدهد که حاکمان جدید کماکان زیر فشار اعتراض و مبارزه مردم قرار داشته و بسته به قدرت و توان اجتماعی جنبش های اجتماعی، ناچار از عقب نشینی در برابر مردم میشوند. آزادی همه زندانیان یک محصول مستقیم مبارزه مردم و مدافعان آزادی در مصر می باشد. بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر در جریان انقلاب مردم مصر بر علیه رژیم مبارک دستگیر شده و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" در زندانها می باشند.

* **شترسواران رژیم مبارک تبریته شدند.**

تشخیص داده شد و دادگاه حکم تبریته اینها را صادر کرد. در ادامه این خبر آمده است که نه فقط متهمان یاد شده، بلکه همه "مدافعان شترسواران" تبریته شده اند.

گروههای شترسواز از نیروهای ارتجاعی و باند سیاهی وابسته به لایه های مختلف حکومت مبارک بود که برای سرکوب تظاهراتهای مردم در میدان التحریر به کار گرفته شد. شترسواران باسوار بر شترهایشان و با در دست داشتن عکس های مبارک، به همراه شمشیر و قمه چندین بار به تظاهرات مردم در میدان التحریر حمله کرده و تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی کردند. ریاست این باندهای ترور با وزرات کشور، سازمان اطلاعات و امنیت و سران عشایر و فئودال های حامی رژیم مبارک بود. اکنون بعد از گذشت بیش از یک سال از جنایات این باندهای سرکوب، وعلیرغم وجود شاهدان عینی و بازماندگان حملات این جانوران وحشی مردم، دادگاه حکم تبریته آنها را محاکمه، بی گناه تشخیص داده و حکم تبریته شان را داده است. مقامات دادگستری و دادگاههای مصر اعلام کرده اند که آزادی این متهمان "مصلحت عمومی دولت" و برای پایان دادن به تخاصمات می باشد.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصفر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K, Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden**

بازتاب هفته

کارنامه ی مردودی نیروی انتظامی در پروژه ی حجاب !

مهراب دشتی

هفته ی گذشته را جمهوری اسلامی، هفته ی نیروی انتظامی نامگذاری کرده بود تا با برنامه های نمایشی و سمینارها و فیلمها و مصاحبه ها و ویژه برنامه های تلویزیونی و رادیویی، یادآوری کند که چماق سرکوب را همچنان بالای سر جامعه نگاه داشته و با مرور کارهایی که در مدت یک سال توسط نیروهای فشار و سرکوب خود انجام داده سر زده (اگر بتواند) از مردم و مخصوصا از جوانان زهره چشم بگیرند و آنها را بترسانند.

سرمقاله نویسنده روزنامه ی دولتی جمهوری اسلامی در شماره ی ۱۲ مهر ماه ۹۱ در مقاله ای تحت عنوان: "هفته نیروی انتظامی و وظایف بر زمین مانده" نکات زیادی را بر زبان آورده که در این جا به بررسی آن ها می پردازم. اما قبل از آن باید توضیح بدهم که برگزاری هفته ی نیروی انتظامی امسال با سال های قبل چه تفاوت هایی داشته است.

ویژگی بارز برگزاری این هفته را در مقایسه با سال گذشته باید در تنگ تر شدن حلقه ی محاصره ی رژیم از سوی مردم دانست. نتیجه این پیشرفت مردم، تضعیف بازوی سرکوب رژیم و بالا گرفتن تضاد های درون جناح ها و باندهای حاکمیت و تشتت بیشتر در صفوف رژیم بود. مقاله نویسنده این روزنامه همانند سایر همکاران و قلم بزمردان اجازه ندارد که از اعتراضات مردم و تودهنی زدن های مردم به نیروهای رژیم بویژه از طرف زنان و جوانان که دلیل اصلی "بر زمین ماندن" وظایف نیروی انتظامی است، سخنی به میان

بر آنکه از انجام وظایف خود در بخش های اقتصادی عاجزند، در بخش های فرهنگی نیز دچار همین ضعف هستند و حتی برای نیروی انتظامی که مایل است به وظایف خود در مبارزه با ناهنجاری های اجتماعی عمل کند نیز مشکل ایجاد می کنند...."

شکست تلاش های مذبوحانه ی ارگان های سرکوب رژیم در مورد حجاب اجباری، این روزها به عناوین مختلف از زبان سران ریز و درشت رژیم از فرماندار و استاندار گرفته تا امامان جمعه و جماعات تا پاسدار وفاطی کماندوهای مجلس نشین تا آیت اله های کپک زده و از گوربرخاسته شنیده می شود. از فروردین امسال تا شهریور حداقل سه بار در اخبار روزنامه های دولتی آمده بود که مسئولین استان اردبیل از این که مسافران نوروزی و تابستانی در مسافرتها و گردش های خود در این استان حجاب را رعایت نمی کنند، شکایت کرده بودند. در هفته گذشته نیز در استان همدان جلسه ای برای بررسی مساله ی حجاب و عفاف برگزار شد که در آن پاسدار آزادی! مسئول کمیته ی حجاب و عفاف همدان گفت: "... ضعف ایمان و نیاز به خودآرایی و جلوه گری و ماهواره و اینترنت از عوامل بی حجابی هستند ... " وی همچنین اضافه کرد: "دانشگاه ها، مراکز تفریحی، مراکز فرهنگی و هنری، اماکن عمومی از جمله مکان هایی هستند که بیشترین مظاهر بدحجابی در آنها دیده می شود ... " این جملات، اعتراف شکست پروژه های رژیم برای تحمیل حجاب اجباری است. وقتی این پاسدار از عبارت بی حجابی در "اماکن عمومی" استفاده می کند، یعنی اقرار می کند که در همه جا حجاب یعنی پرچم حاکمیت حکومت پائین کشیده شده است.

درماندگی رژیم در مقابل مردم و بخصوص زنان را از زبان امام جمعه همدان هم می توانیم بشنویم: "اجرای قانون حجاب و عفاف به تنهایی از یک سازمان بر نمی آید." استاندار هم حرفهای امام جمعه را تأیید می کند و می گوید: "... بیش از ۳۰ سال است که در مورد حجاب حرف می زنیم اما فایده ای نداشته و به نتیجه نرسیده ایم."

این را مردم تهران و سایر شهرهای ایران می توانند گواهی کنند که نیروی انتظامی برخلاف در مقابل بلوفها و التیماutom هایی که در قالب بخشنامه و اطلاعیه در مورد سختگیری بدحجابی و بی حجابی داده بود، امسال بیشتر از هر سالی مفلوک تر بوده است. این ناتوانی و عقب نشینی را باید نتیجه ی ایستادگی و اعتراض و "نه گفتن" به جمهوری اسلامی دانست. مردم این تجربه را پیدا کرده اند که در هر جا که رژیم عقب می نشیند باید پیشروی کنند. این را از عوامل و کاربدهای رژیم هم می توان شنید.*

گرسنگی و منطق سرمایه

بهروز مهربادی

مواد غذایی میلیونها یورو می شود.

پیدا کردن این اسناد و ارقام از لابلای گزارش های منتشر شده توسط اتحادیه اروپا و یا دولت های اروپائی کار مشکلی نیست. اما همین گزارش کوتاه کافی است تا منطق خشک و بیرحم سرمایه را بشناساند. در حالی که صدها میلیون نفر در سراسر جهان زیر خط فقر بسر می برند، میلیونها کودک دچار فقر غذایی و گرسنگی همیشگی هستند، هر روز صدها کودک بر اثر گرسنگی جان خود را از دست می دهند و حتی در اروپا میلیونها نفر زیر خط فقر زندگی می کنند، هر سال کوه های عظیم مواد غذایی همچون ماهی، شیر، گوشت، لبنیات و غلات نابود می شود تا قیمت ها پائین نیاید، توازن بین عرضه و تقاضا در بازار به هم نخورد و از میزان سود سرمایه داران کاسته نشود. محاسبات ریاضی و فرمول های اقتصادی لازم نیست. به مادرانی که کودکانشان بر اثر گرسنگی جان سپرده اند، این گزارش را نشان بدهید، به شما منطق سرمایه را نشان خواهند داد و خواهند گفت که این جهان وارونه را زیر و رو باید کرد.*

تعداد کشته شدگان کارگران معادن در آفریقای جنوبی به ۴۹ نفر رسید



دستگیر شده اند. در حالی که این پلیس است که تا دندان به کشنده ترین سلاح ها مجهز بوده و بارها از آن علیه کارگران و برای کشتن آنها استفاده کرده است. یک فعال کمیته دفاع از همبستگی کارگران معادن میگوید: "ما باید بتعرضات گستاخانه پلیس پایان بدهیم. پلیس فاشیست عرصه را در هر زمینه ها برای ما تنگ کرده است." تجمع حتی چند نفر در محل و در اطراف آلودگی ها غیر قانونی اعلام شده، محوطه زندگی کارگران مثل منطقه حکومت نظامی اعلام شده است و پلیس اجازه تعرض و متفرق کردن آنها را دارد.

شواهد آشکار متعدد و غیر قابل انکار حاکی از آنست که در وضع کارگران اعتصابی وقشر تهی دست جامعه، بعد از "برکناری" آپارتاید، بهبودی حاصل نگردیده و وضعیت زیستی، معیشتی و بی حقوقی، فقدان مدارس برای بچه های آنها بهمان منوال سابق برقرار است.

وضعیت کارگران بحدی فلاکتبار و توحش کارفرمایان معادن به حدی است که حتی وزیر معادن آفریقای جنوبی هم صدایش درآمد. او در یک کنفرانس اظهار داشت: کارفرما باید در بهبود وضعیت کارگرانش تلاش کند. موازینی که در اسانسانمه شرکت لانمین نوشته شده و کارفرما آنها را مورد تأیید قرار داده است،

ادامه صفحه ۷

توضیح داد. کارگران از صبح زود تا غروب در معادن کار میکنند و شب هنگام، خسته و کوفته ناشی از فشار کار روزانه به آلودگیهایی که در اطراف محل کار که برای بیتوته کردن خود و خانواده شان ساخته اند، برمیگردند. این زندگی فلاکت بار، دگرذیسی مشقت بار و یومیه آنهاست. حاصل دسترنج کارگران، سود کلانی است که به جیب سرمایه داران واریز میشود و وضعیت کارگران حاصل نمیشود.

خانه ها و محل زندگی این کارگران، آلودگیهای پلاستیکی و حلهای است که در اطراف معدن در یک محوطه مملو از گرد و خاک بدون آب و برق بنا شده است. بسیاری از کارگران این آلودگی ها از مناطق دیگر و فقط بخاطر کار در این معادن به آنجا کوچ کرده اند. این کارگران تهیدست بدلیل فقر مالی نمیتوانند حتی سالی یکبار برای دیدن خانواده و بستگان به محل سکونت اولیه خود سفر کنند.

بعد از اعتصابات اخیر، پلیس شروع بخانه گردی در خانه (حلبی آبادها و آلودگیها) های کارگران و شروع به جمع آوری "تسلیمات" (چوبدستی، چاقوقمه) کرده است. داشتن این وسایل دفاعی بعنوان سلاحهای خطرناک و غیر قابل مجاز تلقی شده و دارندگان آنها متهم به استفاده از سلاح متهم شده اند. در این خانه گردیها، تعدادی

در سود و منافع تولیدات روزافزون سرمایه داری کشور نظیر رئیس جمهور، وزیر کار، وزیر معادن و غیره ابتدا برای خاموش کردن اعتراضات کارگران خشمگین، وعده های رفرمیستی و فرمالیستی نظیر نکات قید شده در پائین را میدهند ولی همزمان شمشیر را رو بسته و آنها را به اشد مجازات تهدید کرده و حتی تهدید خود را عملی میکنند. همه این واقعیات بیانگر اینست که این رژیم باید جای خود را بیک رژیم مدافع منافع کارگران مردم تهدیدست بدهد. مشکل کارگران معادن و مردم تهیدست آفریقای جنوبی، دریافت هدایای ناچیز رفرمیستی و فرمالیستی نیست. ناظران واقع بین معتقدند که مشکلات موجود فقط افزایش حقوق کارگری نیست. مشکلات عمیقتر از اینهاست که باید به آنها توجه شود. بعد از روی کار آمدن دولت ANC وضعیت بهمان روال سابق است.

طبق شواهد موجود و گزارش های منتشره اولین مشکلات کارگران معادن و مردم تهیدست آفریقای جنوبی را به شکل زیر می توان خلاصه کرد:

که تاکنون ما (دست اندرکاران نشریه انترناسیونال) بررسی کرده و در مورد مشکلات کارگران معادن و مردم تهیدست آفریقای جنوبی نوشته و گزارش کرده ایم، بعنوان مثال میتوان از مشکلاتی نظیر موارد زیر نام برد.

کارگران میگویند حق همکاران بخون خفته ما پایمال گردید و باید به آنها ادای احترام شود. قاتلین آنها باید مجازات شوند و به خانواده های کارگران کشته شده خسارت پرداخت شود.

وضع کارگران معادن از هر لحاظ بقدری مشقت بار است که نمیتوان واقعیت را آنطور که هست

بخش این خبر، اخبار دیگری منتشر شده مبنی بر اینکه اختلافات بهیچوجه فروکش نکرده و شرایط ملتئیبی در کشور حکمفرما است.

جیکوب زوما رئیس جمهور کشور آفریقای جنوبی، مکررا اظهار داشته است که اعتصابات اخیر معادن ماریکانا باعث شد که معادن مهم کشور بسته شده و تولید متوقف گردد. در نتیجه رکود اقتصادی قابل توجهی در کشور بوجود آمده و در حقیقت این اعتصابات اقتصاد کشور را فلج کرده است. وزیر دارائی این کشور، اعتراف میکند که: "اختلافات کارگری، بزرگترین مشکلات ما در طول ۱۸ سال بعد از برکناری دولت آپارتاید بوده است. لذا ما امیدواریم که این کشمکش ها و اعتصابات هرچی زودتر پایان پذیرد. ما ناگزیریم که در قبال این نا آرامیها مقاومت کنیم. بهمین دلیل به قوای ارتش و پلیس دستور داده شده است که مراقب اوضاع باشند و در صورت گسترش اعتصابات و نا رضایتی ها، هرگونه شورش و ناآرامی را سرکوب کنند.

جناب وزیر اضافه میکند: "ما در طول این ۱۸ سال گذشته، خیلی کارها انجام داده ایم. ولی اعتصابات اخیر سؤالات بسیاری را در پیش روی ما قرار داد که باید کارهای بیشتری را انجام بدهیم. بمحض دست یافتن به یک آرامش نسبی، ما باید بر سر میز مذاکره نشستیم و به مشکلات رسیدگی کنیم."

جالب توجه است که وی میگوید: "این اعتصابات و نا آرامی ها بمشابه سخته قلبی شریان ما را از کار انداخت ولی موفق شدیم خودمان را نجات بدهیم. ولی مداوای بعدی تضمین صحت سلامتی ماست." ایشان همانند شرکای سهام



فاضل نادری

اختلافات کارگران با کارفرمایان و دولت، بزرگترین مشکل بعد از "خاتمه آپارتاید!" در آفریقای جنوبی بوده و کماکان ادامه دارد.

متعاقب اعتصابات گسترده ای که در طول چند هفته اخیر در معادن آفریقای جنوبی صورت گرفت، ۱۲۰۰۰ نفر از کارگران در معدن Anglo American Platinum بزرگترین معدن تولید کننده پلاتین جهان اخراج شدند. این کارگران متهم هستند که دست به اعتصاب وحشی و غیر قانونی زده اند و باید از کارشان اخراج شوند.

همزمان که خبر اخراج هزاران کارگر در معادن آفریقای جنوبی شایع گردید، یکی از نمایندگان محلی بزرگترین اتحادیه کارگران NUM آفریقای جنوبی، در حوالی معدن پلاتین Lonmin توسط پلیس بقتل رسید. یک روزنامه معتبر آفریقای Reuters مینویسد، قتل این نماینده کارگری، بسیار شبیه یک اعدام عمدی و آگاهانه بود که توسط پلیس صورت گرفت. چنین اقدامات علیه کارگران معترض میتواند مجدداً منجر به افزایش نا آرامیها در کشور شود.

مذاکرات بین کارگران و کارفرما در شرکت Lonmin که منجر به افزایش حقوق ۲۲ درصد شد، ظاهراً موفقیت آمیز بوده و کارگران پذیرفته اند که بر سر کارشان بر میگردند. همزمان با

تنها راه حل سرنگونی جمهوری اسلامی است

از صفحه ۲

دوباره اعتراضات خیابانی سربرخواهد آورد ممکن نیست اما یک چیز مسلم است. وضعیت فلاکت‌بار زندگی مردم هر روز بدتر و وخیم‌تر می‌شود و مردم راهی بجز اعتراض و مبارزه ندارند. همانطور که بالاتر اشاره کردم وضعیت سیاسی حاضر بسیار بی‌ثبات و گذرا است و هر آن باید منتظر انفجار خشم مردم بود. بحران و بی‌ثباتی هم‌زاد جمهوری اسلامی است اما هیچ‌زمان مانند امروز کل رژیم چنین در مانده و بی‌افق و متزلزل نبوده است.

این شرایط موقعیت ویژه‌ای به حزب ما و کلا جنبش چپ در جامعه می‌بخشد. گرچه همیشه مسائل معیشتی و اقتصادی یک امر توده مردم و یک علت اصلی نارضایتی آنان بوده است اما امروز مستقیماً و بیواسطه مساله معیشت و در واقع مساله بقا و ادامه زندگی به امر عاجل مردم و موضوع مستقیم مبارزات آنان تبدیل شده است. موضوعی که بنا به تعریف از دایره مخالف خونیهائی اپوزیسیون راست خارج است و زمینه مناسبی برای عرض اندام کمونیست‌ها و جنبش چپ فراهم می‌آورد. همچنانکه در قبال جنبش ۹۹ درصدیها در غرب، اپوزیسیون راست حرفی برای گفتن ندارد در برابر اعتراض نود و نه درصد مردم ایران به فقر و نابرابری و شرایط فلاکت‌بار اقتصادی نیز بی‌حرف و بی‌افق است. مسائل و مشکلات اقتصادی توده مردم که امروز زمینه و انگیزه اصلی نارضایتی و اعتراضات مردم را تشکیل می‌دهند با هیچ نوعی از نسخه‌های اپوزیسیون راست، اعم از اصلاح طلب و سرنگونی طلب، قابل حل نیست. خیلی از این نیروها مستقیم و غیرمستقیم از طرح یارانه‌های احمدی نژاد دفاع کردند و امروز هم همه اعتراضاتشان

از "سوء مدیریت" و "بی‌لیاقتی" احمدی نژاد و دیگر مقامات حکومت فراتر نمی‌رود. فکر نمی‌کنم سطحی‌گری و بیمایگی این نوع مواضع و تبیین‌ها و بیربطی آن به واقعیتهای سیاسی و اقتصادی جامعه ایران نیازی به توضیح داشته باشد.

این بی‌حرفی و بی‌ربطی نیروهای راست البته به این معنی نیست که وضعیت حاضر خودبخود چپ را بجلو می‌راند. در عرصه مبارزه طبقاتی هیچ نیرو و جنبشی خودبخود و بنا به فاکتورهای اقتصادی تقویت نمی‌شود. آنچه تعیین کننده است عرصه سیاست و تقابل میان نیروهای سیاسی راست و چپ است و ملزومات و ضروریات اقتصادی تنها از طریق این تقابل سیاسی می‌تواند بروز پیدا کند. در وضعیت سیاسی حاضر نیز مطمئناً نیروهای راست بی‌کار نخواهند نشست و نظاره‌گر اوضاع نخواهند بود. بیشک دعوای جناحی بیش از پیش حاد خواهد شد، و بحث رابطه با آمریکا و تحریم‌ها و بی‌لیاقتی آخوندها و "سوء مدیریت اقتصادی" و بی‌کفایتی این یا آن جناح و مقام حکومتی در میان اپوزیسیون راست بالا خواهد گرفت. نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون حافظ نظام هم ممکنست در بسته بندیهای تازه و این بار با شعار نزدیکی با آمریکا و نظایر آن دوباره بمیدان بیایند. گفتمان جنگ و تهدیدات جنگی اسرائیل و غرب نیز ممکن است دوباره داغ بشود و بخصوص در خارج کشور میدانی برای تاخت و تاز نیروهای راست نوع دوخردادی و چپ‌مریخی "ضدامپریالیست" فراهم کند. بعبارت دیگر نه تنها راست خودبخود از میدان خارج نخواهد شد بلکه تلاش خواهد کرد مهر خود را بر تحولات بکوبد.

مقابله با کلیه این نوع تلاشهای راست جزء مهمی از وظایف کمونیست‌ها در این دوره را

تشکیل می‌دهد. هدف من از تاکید بر ویژگی این شرایط دقیقاً بمنظور بهره‌گرفتن از وضعیت حاضر در جهت افشا و خنثی کردن نیروهای راست در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید توجه داشت که این بار در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در مقابله با کل نیروهای راست شیب زمین سیاست به نفع ما کمونیست‌ها است. نه تنها وضعیت سیاسی - اقتصادی در ایران که بالاتر توضیح دادم بلکه وضعیت سیاسی در کل منطقه و در جهان، به یمن انقلابات دوساله اخیر و جنبش

اشغال و کلا اعتراضات بیسابقه ضد سرمایه داری در غرب به نفع چپ و نقد و اعتراض عمیق کمونیستی به وضعیت موجود چرخیده است. این یک ویژگی مهم شرایط سیاسی در جهان و ایران است و حزب ما تمام توان و امکانات خود را بکار خواهد گرفت تا بر متن این شرایط فعالانه در تحولات زیر و رو کننده ای که در پیش است دخالت کند و نقش موثری در سازماندهی و پیشبرد و رهبری و به پیروزی رساندن اعتراضات و مبارزات انقلابی مردم ایفا نماید.*

تعداد کشته شدگان کارگران معادن در آفریقای جنوبی به ۴۹ نفر رسید

از صفحه ۶

درانجام آنها متعهد نبوده است. این موازین فقط در مورد تأمین بهبود معیشتی آنها نیست بلکه، تهیه مسکن، تدارک دوره‌های آموزشی و اطلاعات ایمنی برای جلوگیری از حوادث و غیره جزو قوانین و مقرراتی است که در اساسنامه شرکت ثبت شده است. ولی چنانچه گفته شد، کارفرما درانجام آنها وفادار نبوده است. وی اضافه کرد: "همانطور که جیکوب زوما رئیس جمهور در ابتدای اعتصاب کارگران تأکید کرده است، اگر کارفرما بدرخواست کارگران مبنی بر بهبود زندگی آنها تلاش نکند ما جواز کسب این شرکت را لغو خواهیم کرد. من هم همین تأکید را امروز اعلام می‌کنم و از کارفرما خواهان رسیدگی بان را داریم. هشدارهای ما از پرداخت غرامت گرفته تا تعطیلی معدن ادامه خواهد گرفت. در این مواجهات است که ما خواهیم دید آیا کارفرما و شرکت مربوطه، واجد شرایط کار در این کشور است که سراغ ما آمده است یا برعکس. ما هم اکنون در حال بررسی و تحقیق

هستیم که این شرکت در طول حداقل دوسال اخیر، چه اقداماتی در بهبود وضع کارگران انجام داده است. اما جناب وزیر معدن و رئیس جمهور نمی‌گویند چرا برای دستگیری قاتلین کارگران اقدامی انجام ندادند، چرا مناطق مسکونی کارگران در محاصره نیروهای تا دندان مسلح پلیس قرار دارد و کارگران بطور مدام مورد آزار و تهاجم پلیس قرار می‌گیرند. چرا کارفرما به آسانی به خودش اجازه می‌دهد تا حکم اخراج ۱۲۰۰۰ کارگر را صادر کند و چرا دولت تاکنون در مقابل فقر و فلاکتی که به هزاران کارگر تحمیل شده است، ساکت مانده است. واقعیتی که رئیس جمهور، دولت و حزب دولتی با ریاکاری نمی‌خواهند به روی خود ببیاورند، اینست که دولت حامی سرمایه داران و صاحبان معادن و مجری فرامین آنها است. کارگران فقر و مصیبت خود و ثروت‌های کلانی که برای سرمایه داران تولید کرده اند می‌بینند و به شهادت دولت و حامیان آن پی برده‌اند. آنها حاضر به تحمل این وضعیت نیستند، قضیه به همین سادگی است!*

در موضع‌گیری رسانه‌های جناحی و سایت‌های باندهای حکومت در قبال تظاهرات هفته گذشته خوبی این تلاشها قابل مشاهده بود. با این حال لازمست اینجا یک نکته را تاکید کنم. تظاهرات اعتراضی بازاریان و یا هر بخشی از طبقه حاکمه با هر دلیل و انگیزه‌ای می‌تواند دریچه و محملی برای بمیدان آمدن توده مردم و اعتراضات توده‌ای به وضعیت موجود و کل نظام جمهوری اسلامی باشد و از این نقطه نظر عاملی در جهت تضعیف کل حکومت است. تاکید حکومتی‌ها بر اینکه بازاریان حساب خود را از "ضد انقلاب" جدا کنند و حتی یادآوری خامنه‌ای به بازاریها که اگر در سال ۸۸ "سران فتنه" حساب خود را از حمله کنندگان به پایگاه بسیجیان جدا می‌کردند - که البته جدا کردند ولی افاقه‌ای نکرد! - "خیلی از حوادث روی نمیداد"، نشان‌دهنده هراس این حکومت از هرنوع اعتراضی است که پای توده مردم و تظاهرات خیابانی را بمیدان بکشد. تظاهرات اخیر نیز تنها به بازاریان و صرافیهای خیابان فردوسی محدود نماند. مردم در ابعاد هزاران نفره در خیابانها و میدانهای مرکزی شهر تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ تجمع و تظاهرات کردند و شعارهای رادیکالی علیه جمهوری اسلامی داده شد که بسیار از اعتراض بازاریها فراتر میرفت. علت اصلی هراس مقامات و هشدارهای خامنه‌ای نیز همین ابعاد توده‌ای تظاهرات بود.

انترناسیونال: سیر آتی اوضاع را چگونه ببینید؟ نقش و وظایف حزب و کلا نیروهای چپ در این شرایط چیست؟
حمید تقوایی: پیش‌بینی اینکه در چه مقطعی و از کجا

گزارش مراسم علیه اعدام در شهر تورنتو



جمله جنایتهای ۳۴ سال گذشته حکومت جلالان اسلامی سخنرانی کردند و خواهان برچیده شدن اعدام این حربه کشیف در دست مشتکی دزد و آدمکش حرفه ای شدند و تاکید کردند که با سرنگونی حکومت اسلامی باید سران و دست اندرکاران این حکومت به جرم جنایت‌هایشان بازداشت و محاکمه شوند. سخنرانان امروز عبارت بودند از مهوش عباسوندی مسول کمیته مادران علیه اعدام و مادر محمد و عبدالله فتیحی که سال گذشته توسط حکومت جنایتکار اسلامی اعدام شدند، رضا میریدی نماینده پارلمان استان انتاریو از حزب لیبرال، محمد کاظمی از طرف ایران سولیداریتی، یدی محمودی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران، فخری جواهری از طرف حزب اتحاد کمونیسم کارگری و آخرین سخنران پیشرو علیپور از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام در تورنتو بودند. همچنین در طول نزدیک به ۲ ساعت تظاهرات بارها

به زبانهای فارسی و انگلیسی شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، نه به اعدام، حکومت اسلامی سرنگون سرنگون داده شد. در بخش پایانی برنامه، امیر زاهدی هنرمند محبوب تورنتو، ضمن خوشامد به مهوش عباسوندی به تورنتو سرود دایه دایه را تقدیم به مهوش و مردم ایران کرد. سرودی که سال گذشته در طول مراسم باشکوه خاکسپاری محمد و عبدالله در خیابانهای اصفهان طنین انداخت و صحنه خاکسپاری آنها را به میدان اعتراض و تفر مردم از حکومت اسلامی تبدیل کرد.

در این روز میزهای هفتگی ایران سولیداریتی برای حمایت از روز جهانی اعدام به محل تظاهرات منتقل شده بود و دهها متر پارچه که از طرف مخالفین حکومت اسلامی و مردم کانادا امضا شده بود به نمایش گذاشته شد.

در این تظاهرات چندین نفر از طرف سازمانها، نهادها و احزاب مخالف اعدام سخنرانی کردند و هر یک به جنبه‌هایی از غیر انسانی بودن آدمکشی دولتی و از

بین المللی علیه اعدام در تورنتو به خیابان آمده بودند تا همراه با مردم دنیا خواهان برچیده شدن اعدام این جنایت علیه بشریت شوند.

روز دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام، با وجود سرمای زودرس و باران شدید، دهها نفر از مخالفین اعدام و مخالفین حکومت شکنجه و اعدام اسلامی، به فراخوان کمیته

منصور حکمت،

مصاحبه با نشریه خاوران پائیز ۱۳۷۹

حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت‌ها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت."

"در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکن غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413



عکسی از برگزاری تظاهرات پر علیه اعدام در شهر کلن آلمان. در این تظاهرات طناب‌های دار به آتش کشیده شد. مینا احدی از سخنرانان این تظاهرات بود

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

درباره ترور ملالی یوسف زی ۱۴ ساله توسط طالبان در پاکستان



عصر روز ۱۸ مهر (۹ اکتبر) ملالی یوسف زی، دختر دانش آموز چهارده ساله و مدافع شجاع حق تحصیل دختران، هنگام بازگشت از مدرسه در شهر سوات پاکستان، هدف گلوله نیروهای جنایتکار طالبان قرار گرفت و همراه با دو دختر دیگر زخمی شد. ملالی هم اکنون در بیمارستانی در پیشاور پاکستان تحت درمان است. خبر این جنایت در رسانه های بین المللی بازتاب گسترده ای داشت و هزاران پیام همبستگی از سراسر جهان برای او ارسال شد.

ملالی علیرغم سن کم به دلیل دفاعش از حق تحصیل دختران، در سالهای اخیر به چهره ای شناخته شده در پاکستان و در سطح بین المللی تبدیل شده بود. او از سه سال پیش و وقتی ۱۱ ساله بود با نام مستعار "گل مکی" خاطرات

جنایتکاران بپاخیزد و بساط آنها را در پاکستان و افغانستان، در ایران و در همه جا جارو کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مهر ۱۳۹۱
۱۰ اکتبر ۲۰۱۲

استخوانپایش در همه جا شنیده میشود. مردم کشورهای اسلام زده در جدالی گسترده و همه روزه علیه دولت ها و احزاب و نیروهای اسلامی هستند و مردم جهان بیش از پیش به ماهیت ضد بشری ارتجاع اسلامی پی برده اند. بشریت متمدن باید علیه این

اسلامی مدتهاست بسر آمده و این جریان به سراشیب اضمحلال افتاده است. جمهوری اسلامی ایران که زمانی ستون فقرات و منبع الهام نیروهای اسلامی در کشورهای مختلف بود، مدت هاست با مبارزه گسترده مردم و بویژه زنان، بلرزه در آمده و صدای خرد شدن

ارتجاعی اسلامی روبرو شد. ترور يك دختر ۱۴ ساله توسط جنایتکاران اسلامی بار دیگر هم ماهیت کثیف و جنایتکارانه این نیروی مافوق ارتجاعی، و همچنین وحشت آن از افول خود را به دنیا نشان داد. دوره یکه تازی تروریسم

تعدد زوجات نمونه ای از فرهنگ سازی اسلامی!

میگیریم، ما میخواهیم شغل داشته باشیم، هویت انسانی داشته باشیم و سرنوشت خودمان را تعیین کنیم. ما بالاترین استاندارد های زندگی قرن بیست و یک را برای خود و فرزندانمان میخواهیم و بسیاری از خواسته های که برای بدست آوردن هر کدامشان راهی نداریم جر اینکه از نعش هیولای اسلامی بگذریم و این به دست اتحاد همه انسانهای شریف و آزادیخواه میسر است.*

بردن از زندگی دارد. با ارمغان سرمایه داری اسلامی افزایش جمعیت یعنی کودکان گرسنه ی بیشتری که زیاله ها را برای لقمه نانی جستجو میکنند. اما در مقابل این متحجران، زنان با حضور در جامعه به عنوان افراد مستقلی که خواهان جایگاه و هویت اجتماعی خود هستند، فریاد میزنند ما تسلیم سرنوشتی که شما از گور برخاسته های اسلامی بر ایمان تدارک دیده اید، نمیشویم. ما خود، برای زندگیمان تصمیم

خودشان به این وسیله از شر زنان تحصیل کرده زیاده خواه که حاضر نیستند به قوانین پوسیده اسلامی تمکین کنند، راحت شوند. برای این جانیان الگوی زن اسلامی ضعیفه ی به انقیاد کشیده شده ای است در زندان حجاب، که در کنج پستوی خانه ها وظیفه ای جز خدمات رسانی به شوهر را ندارد. فرزند بیشتر داشتن، برای زنان در وضعیت امروز جامعه ایران و با این کیفیت زندگی یعنی سرگرم شدن هر چه بیشتر زنان به امر مادری به همراه فقر و فلاکت بیشتر، بطوری که فراموش کند خودش به عنوان يك انسان حق و حقوق فردی و مجزایی برای بودن و بهره

این جانیان است و در تمام سالهای حکومت ننگینشان هر روز با تصویب قانون و لایحه ای تلاش داشته اند بیحقوقی زنان را تثبیت کنند.

بعد از قیام ۸۸ حکومتیان بیش از پیش مطمئن شدند که برای سر پا بودن باید هر چه بیشتر به زنان تعرض کنند و طرحهای عفاف و حجاب و تفکیک جنسیتی شان را شدت بخشیدند. سال تحصیلی جدید در دانشگاهها با حذف رشته های بسیاری برای زنان آغاز شد و اتفاقی نیست که امروز به یاد فرهنگ "تعدد زوجات" و "تکثراولاد" به عنوان سنت های اسلامی افتاده اند و به خیال

فرح صبری

امام جمعه اصفهان: برای تعدد زوجات و تکثر اولاد فرهنگ سازی کنید / خانواده ها هر سه سال يك فرزند به دنیا بیاورند.... تعدد زوجات و تکثر اولاد از سنن اسلام است که رابطه منطقی با هم دارند و باید برای آن فرهنگ سازی کنیم. ۱۸ مهر ۱۳۹۱

وضعیت زنان در جامعه ایران با شروع حکومت اسلامی همواره مورد هجوم و تعرض بوده است. به طوریکه میتوان موجودیت جمهوری اسلامی را با سرکوب زنان در ایران تعریف کرد. ضد زن بودن خضیصه اصلی

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

گزارش تجمع کارگران شرکت واحد در مقابل شهرداری و پیروزی کارگران

آخرین خبر منتشر شده از کارگران شرکت واحد تهران

در مورد معیشت کارگران و فشارهایی که بر آنان وارد می شود نیز صحبت کردند.

پس از این پیروزی و گرفتن قول پیگیری مسایل شان، کارگران به تجمع خود خاتمه دادند و تصمیم گرفتند در صورت عدم اجرای قول های مسوولان، اعتراضات خود را پیگیری کنند. این پیروزی برای کارگران نشان از ضرورت همبستگی و هماهنگی آنان برای دریافت حقوق خود دارد.

شرکت واحد پرداخت کرده. اما حاضر به نوشتن و امضای صورت جلسه نشدند. در نتیجه نمایندگان کارگران از معاون شهردار خواستند که خود در میان کارگران حاضر شده و توافقات را به آنان بگوید. که در انتها معاون منابع انسانی در جمع کارگران حاضر شد و قول پرداخت ده درصد را تا آخر سال به آنان داد. حق مسکن نیز برای سال آینده مورد قبول قرار گرفت.

حضور آقای مددی نایب رییس سندیکا در میان کارگران بسیار ارزنده بود. در انتها ایشان

شهردار آقای ناصر صادق پیروز، معاون منابع انسانی نیز حضور داشت. از تجمع کنندگان خواسته شد که به مسجد کنار شهرداری رفته و در آنجا از آنان پذیرایی به عمل آمد.

ابتدا معاون شهردار شروع به تهدید نمایندگان کرد که در این شرایط بحران آنها خواسته های اضافه دارند. نمایندگان این مساله را رد کردند و کمبودها را مربوط به سوءمدیریت دانستند. در انتها نمایندگان شهرداری قبول کردند که ده درصد اضافه حقوق کارگران

خواسته های خود که عبارت از ده درصد افزایش حقوق و حق مسکن است، شدند. آنان به مدت بیش از ده ماه با نامه نگاری و تهیه طومار خواسته های خود را به گوش مسوولان رسانده بودند. پس از ساعتی از کارگران خواسته شد که نمایندگان خود را برای مذاکره با آقای امانی معاون مالی شهردار بفرستند که ۴ تن از کارگران به نمایندگی فرستاده شدند که آقایان وحید فریدونی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای واحد نیز در میان آنان بودند. در کنار معاون

از ساعت ۸ و نیم صبح روز سه شنبه ۱۸ مهر ماه حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان شرکت واحد و اعضای سندیکای کارگران این شرکت در مقابل شهرداری تهران تجمع کردند. تجمع کارگران که ابتدا جلوی کتابخانه ی پارک شهر و پس از ساعتی به طرف مجلس شورای شهر به راه افتادند. یک سرهنگ نیروی انتظامی ابتدا از آنان خواست که به طرف دیگر خیابان نروند و تجمع کنندگان درکناره خیابان نشستند. آنان خواهان ملاقات با شهردار بودند. تا پیگیری

اتحادیه آزاد کارگران ایران: گزارش تکمیلی تجمع اعتراضی رانندگان شرکت واحد تهران در مقابل ساختمان اصلی شهرداری تهران

مصوب شده است و ما در حال سیر مراحل تکمیلی این مسئله هستیم و تا آخر سال حق جذب به حقوقهای ماهیانه اضافه خواهد شد. وی همچنین وعده داد از اول سال نود و دو به حق مسکن کارگران شرکت واحد نیز اضافه خواهد شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از صحبتهای مدیر کل منابع انسانی شرکت واحد و اعلام خبر مصوب شدن پرداخت حق جذب به این کارگران، آنان به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند چنانچه صحبتهای مدیر کل به یک وعده تبدیل بشود اینبار با تعداد بیشتری از همکاران شان تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۱

۲۰۰ نفر از آنان از صبح امروز دست به تجمعی اعتراضی در مقابل ساختمان اصلی شهرداری و شورای شهر تهران زدند و خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند. مسئولین شهرداری تهران پس از تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد، در ساعت ۱۱/۳۰ با وعده حضور مسئولین شهرداری و شرکت واحد در میان کارگران، آنان را به مسجد شهرداری هدایت کردند اما پس از گذشت نیم ساعت و عدم حضور این مسئولین در میان کارگران، آنان بار دیگر تجمع خود را به مقابل ساختمان اصلی شهرداری تهران در خیابان بهشت کشاندند و همین مسئله باعث شد حدود ۱۲/۳۰ مدیر کل منابع انسانی شرکت واحد در میان کارگران حاضر شود وی طی سخنانی اعلام کرد: پرداخت حق جذب به شما

تهران و شورای شهر در خیابان بهشت زدند. این دو ساختمان در یک نقطه قرار دارند.

این تجمع از سوی کارگران شرکت واحد در حالی صورت میگیرد که از ابتدای سال ۱۳۸۸ ده درصد به عنوان حق جذب به حقوق کلیه پرسنل شهرداری تهران و دیگر زیر مجموعه های این شهرداری از قبیل سازمان آتش نشانی و... افزوده شد اما این مسئله در شرکت واحد تهران به اجرا در نیامد و از اواخر سال ۱۳۹۰ کارگران شرکت واحد تهران از طریق نامه نگاری، جمع آوری طومار اعتراضی و ارائه آن به مسئولین شرکت واحد و شهرداری تهران خواهان رفع تبعیض از خود شدند اما مسئولین شهرداری و شرکت واحد تهران در این مدت به خواستههای این کارگران توجهی نکردند و به همین دلیل بیش از



امروز ۱۸ مهر ماه تا ساعت ۱۳ دست به تجمعی اعتراضی در مقابل ساختمان اصلی شهرداری

بیش از ۲۰۰ نفر از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از ساعت ۸/۳۰ صبح

صحنه ای از اعتراض و همبستگی

گزارشی از ایران

سهیلا فرنود

خودشان پولی جمع کردند و ۱۵۰ هزار تومان به وی دادند و گفتند که بیا با این پول فعلا امشب برو منزل، بعدا بروید و حقتان را بگیرید.

این وضعیت ایران است. مردم درد و معضلات یکدیگر را میدانند و ما شاهد یک همبستگی عمیق انسانی بین مردم هستیم. این امیدوار کننده است، این نشانگر جامعه ای است که فقر و فلاکت زندگی و معیشتش را داغان کرده ولی شما استیصال را نمی بینید. شما خشم و اعتراض را می بینید و انسانیت را هم می بینید. این جامعه ایست که چنین به آستانه انفجار کشیده شده است و خشم مردم هر آن شعله ور خواهد شد. زنده باد انسانیت. سهیلا فرنود - یک مادر

مبارزه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان ادامه دارد.

تومان پرداخت شده است. کارگران اعلام کرده اند که چنانچه تا بیستم مهر سه ماه حقوق معوقه پرداخت نشود دست به تجمعات بزرگتر خواهند زد. در این شماره انترناسیونال اطلاعیه شماره ۹ حزب درباره فراخوان به تجمع اعتراضی بازنشستگان ذوب آهن را ملاحظه می کنید.

دفتر بازنشستگی در خیابان نشاط تجمع کردند و خواهان پرداخت فوری حقوق های مرداد، شهریور و مهر شدند. با پافشاری کارگران نهایتا مسئولان صندوق بازنشستگی قول دادند که حقوق کارگران را بیستم مهر پرداخت کنند. طبق این گزارش همچنین به خانواده هایی که نان آورشان از بازنشستگان ذوب آهن بوده و درگذشته است و نان آور دیگری ندارند علی الحساب ۲۰۰ هزار

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان روز شنبه ۱۵ مهرماه در مقابل دفتر بازنشستگی اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پرداخت فوری سه ماه حقوق خود شدند. این خبر در اطلاعیه شماره ۸ حزب انتشار یافت در این اطلاعیه آمده است: "طبق گزارشی که به ما رسیده است، از صبح شنبه حدود ۶۰۰ نفر از کارگران بازنشسته صنایع فولاد اصفهان در مقابل

بازنشستگان ذوب آهن اصفهان باز هم فراخوان تجمع دادند

اطلاعیه شماره ۹

خواست های بحق کارگران پشتیبانی کنید. پلاکاردهائی علیه گرانی و بیکاری، علیه فقر و تبعیض بلند کنید و فریاد بزنید منزلت، معیشت حق مسلم ما است. بگویند که کار با حقوق کافی، حقوق بازنشستگی کافی و بیمه کافی برای یک زندگی انسانی حق مسلم همه ما است. تجمع روز شنبه را به همه دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید.

و بقیه شهرهای استان اصفهان را به شرکت در این تجمع فرامیخواند. حزب همچنین مصرا از همسران و سایر اعضای خانواده های کارگران میخواهد که در این اجتماع اعتراضی شرکت کنند. تنها با گسترش صفوف اعتراض است که میتوان مفتخوران را سر جای خود نشانند و نگذاشت که حقوق ها حتی یک روز عقب بیفتند.

ساعت ۹ و نیم صبح شنبه ۲۲ مهر، خیابان نشاط، و روبروی امور بازنشستگی اصفهان

در تجمع شنبه هفته قبل کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان، التیماتوم دادند که چنانچه سه ماه حقوق معوقه مرداد، شهریور و مهر آنها تا روز ۲۰ مهرماه پرداخت نشود باز هم دست به تجمع خواهند زد. در این فاصله حقوقی به کارگران پرداخت نشد و کارگران فراخوان تجمع بعدی را دادند. روز شنبه ۲۲ مهر ساعت ۹ و نیم صبح مقابل اداره امور بازنشستگی در خیابان نشاط چهارراه نقاشی.

زنده باد مبارزه متحدانه و پیگیرانه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

مردم شریف اصفهان، بازنشستگان، کارگران، معلمان، جوانان بیکار، زنان و مردم معترض و حق طلب

زنده باد همبستگی و حمایت خانواده ها و مردم اصفهان از بازنشستگان ذوب آهن

کارگران بازنشسته ذوب آهن شایسته حمایت گرم شما هستند و تاکنون نمونه محکمی از یک مبارزه متحد و یکپارچه را به نمایش گذاشته اند. با تمام توان از آنها حمایت کنید، در اجتماعات آنها شرکت کنید، از خواست آنها و خواست افزایش فوری چند برابر دستمزدها و سایر

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از فراخوان کارگران، از کلیه کارگران بازنشسته ذوب آهن در اصفهان، فولادشهر، شاهین شهر، فلاورجان، زرین شهر و بهارستان

توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بروی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۷ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم!

زنان امروز، کودکان دیروز

فرح صبری از ایران

تلاش میکرد صورتش را پنهان کند، پیگیرش که شدم فهمیدم کتک خورده است تا اینکه خودش گفت: شوهرم عصبانی شد و... شوهرش را دیده بودم. مردی معتاد با چهره ای بسیار خشن. گفتم این چه زندگیست؟! چطور شد که تو همسر فردی با این وضعیت اونهم با این همه اختلاف سنی شدی؟ خودت انتخابش کردی؟ پوزخندی زد و تکرار کرد: "انتخاب"؟ و در واقع به من یادآور شد که هیچوقت انتخاب در زندگی خیلی از آدمها جایی نداشته است.

بغض سنگینی در صدایش بود که حکایت از دردهای کهنه داشت. ادامه داد: او همسر دوم من است تا ۱۷ سالگی یکبار از یک عوضی دیگر طلاق گرفته بودم. اول بار ۱۳ سالم بود که خانواده ام مرا به یکی از مواد فروشهایی که میشناختم، شوهر دادند. وقتی مرا به خانه خودش برد دیدم همسر دوم شده ام و تنها برای جابجا کردن مواد مخدر مرا گرفته است، همسر اولش هم میدانست و ما باید همه در یک اطاق زندگی میکردیم. آنقدری نکشید که از پیش او فرار کردم و رفتم التماس پدرم را کردم که دیگر نگذارد مرا ببرند با

این شرط که اگر دوباره شوهرم دادند دیگر برنگردم. شوهر اولم بی دردمر مرا طلاق داد و گفت: این به درد ما نمیخورد و مدت زیادی نکشید که این یکی را برابم پیدا کردند. این یکی هم معتاد بود و برای کمک خرجش مواد جابجا میکرد و البته زن و بچه هم داشت ولی از آنها جدا شده بود و قرار بود تنها با من زندگی کند و مرا به او دادند.

حالا فقط میخواهم بچه هایم عاقبت بهتری داشته باشند. برای خودم هیچی نمیخواهم دعوائی هم که کردیم سر خرج مدرسه دخترم بود که مرا به کتک گرفت. ولی من

با هر بدبختی که باشه میخواهم بچه هایم درس بخوانند و زندگی خوبی پیدا کنند. البته زندگی خوب برای او مفهوم سختی ندارد، یک اتاق در یک کارخانه دور افتاده که سرایدارش باشند و بتوانند براحتی در کارخانه های اطراف کار کنند.

نمیدانم چقدر از عمق دردهایی که از کودکی کشیده بود را برابم گفت ولی همین قدر کافی بود بدانم منجلائی که به عنوان جامعه در آن دست و پا میزنیم هر روز چه جنایاتی را تحت عنوان زندگی بوجود میآورد. "کودک" در این منجلاب وسیله ایست که صاحبان آنها تحت عنوان پدر و مادر هر بلایی میتوانند بر سرشان بیاورند و هیچ کس هم

نیست که دردی از آنها دوا کند. آنها بزرگ شده و زنان محروم و بی پناهی هستند که همه چیز در این جامعه علیه آنها تدارک دیده شده است و هیچ راه فراری ندارند. کنار هر زن کودکانی هستند که تباهی را هر روز تجربه میکنند.

امر بیحقوقی زنان در جامعه ما عنوان تازه ای نیست اما زندگی هر زنی عمق جدیدی از ابعاد جنایتی که هر روزه در مورد زنان و کودکانشان اتفاق میفتد را روشن میکند. از همین روز همه زنانی که قربانیان بیحقوقی سرمایه داری اسلامی در ایران بوده اند و همه انسانهای آزادیخواه میخواهم برای رساتر شدن فریاد اعتراضمان بر علیه این آپارتاید جنسیتی متحد شویم.

گزارشی از مراسم های باشکوه روز جهانی کودک در سنندج

مردم شهر سنندج به مناسبت روز جهانی کودک مراسم های متنوعی را برگزار کردند. این مراسم ها در قالب نمایشگاه نقاشی، ایستگاه نقاشی و رنگ آمیزی برای کودکان، جشن بادبادکها و مسابقه دوچرخه سواری و بازیهای کودکان در محلات، نمایشگاه عکس درمورد زندگی کودکان و تجمع هزاران نفری در پارک ۲۸ دی و پارک امیریه آبیبر همراه با کودکان برگزار شد. از روز ۱۳ مهرماه نمایشگاه عکس و نقاشی در رابطه با زندگی و حقوق کودکان جهان در مرکز شهر سنندج دایر و در معرض دید همگان قرار گرفته است. عصر روز ۱۶ مهرماه مراسمی در پارک امیریه آبیبر با ابتکار کانون دفاع از حقوق کودکان و فعالان اجتماعی برگزار شد. همچنین در محله شریف آباد و زورآباد سنندج مسابقه دوچرخه سواری برای کودکان برگزار شد. بعد از ظهر روز ۱۷ مهر ماه مراسم بادبادکها، جشن کودکان، مسابقه رباط ها برای کودکان، ایستگاه

نقاشی و بازیهای شاد برای کودکان در محل پارک ۲۸ دی سنندج واقع در آبیبر برگزار شد. در این مراسم بیش از دو هزار نفر از کودکان و خانواده هایشان شرکت کردند. این مراسم ها با ابتکار فعالین جنبش دفاع از حقوق کودکان، نهادهای مدنی، سازمان بهزیستی استان

کردستان، کارگران اداره برق شهر سنندج و کانون دفاع از حقوق کودکان برگزار شده اند. در محل مراسم ها پلاکاردها و بنرهای رنگارنگ به مناسبت روز جهانی کودک و در دفاع از حقوق کودکان نصب شده بود. برگزاری روز جهانی کودک بعنوان یک سنت

مدرن و اجتماعی در شهر سنندج یکی از جلوه های درخشان جنبش دفاع از حقوق کودکان است که هر ساله با روشهای مدرن و متنوعی برگزار میشود. کانون دفاع از حقوق کودکان برگزاری متنوع و باشکوه روز جهانی کودک را به همه دست

اندرکاران و شرکت کننده گان و مردم شهر سنندج تبریک میگوید.

دبیرخانه کانون دفاع از حقوق کودکان - سنندج
۱۷ مهرماه ۱۳۹۱



ترس و وحشت مرتجعین از تحصیل زنان و دختران



سهیلا شریفی

از صفحه ۱

او را مجازات می کردند. با وجود این ملاله یوسف زی و دوستانش که آترمان فقط یازده سال داشتند همچنان مخفیانه در شان را ادامه می دادند و برای اینکه مامورین طالبان نفهمند که دارند مدرسه می روند از پوشیدن یونیفورم مدرسه خودداری کرده و کتابهایشان را زیر لباسشان قایم می کردند. حالا هم که این منطقه از زیر کنترل طالبان خارج شده هنوز فشار بر دختران و ممانعت آنها از ادامه تحصیل همچنان وجود دارد و خیلی از دختران جوان نگران این هستند که به صورتشان اسید پاشیده شد و یا مورد حمله قرار گیرند. حمله اخیر به ملاله یوسف زی و دوستش این ترس و نگرانی را تأیید می کند.

هرجا جنبش ضد زن اسلامی رخنه کرده و نفوذی بدست آورده، مبارزه برای داشتن حق تحصیل دختران یکی از سنگرهای جنگ بین مردم برابری طلب و زنان با مرتجعین اسلامی بوده است. از به آتش کشیدن مدارس دخترانه در افغانستان و خراب کردن این مدارس بر سر دختر بچه ها تا ممنوعیت بیش از ۷۰ رشته تحصیلی در ایران برای دختران و محدود کردن سهمیه دانشگاهها برای آنها و تفکیکهای جنسیتی

همه نشانه های بارز و جدی ضدیت اسلام و جنبش اسلامی با تحصیل زنان و دختران است. دختران افغانی که هم اکنون بیش از ده درصد کل دانشجویان افغانی در هند را تشکیل می دهند باید بقبول یکی از آنها از هفتخوان رستم بگذرند که بتوانند در کشور دیگری به تحصیلشان ادامه دهند. راضی کردن خانواده و فایق آمدن بر فضای سنتی و ارتجاعی جامعه فقط خوانهای اولیه در راه این دختران هستند. قوانین اسلامی و اخلاقیات حاکم بر این کشورها و فقر و فلاکتی که روز بروز بیشتر دامن مردم را می گیرد هرچه بیشتر و بیشتر دختران جوان را از تحصیل محروم کرده است. بسیاری از خانواده ها ناچارند بین تحصیل پسران و یا تحصیل دختران خود یکی را انتخاب کنند چرا که بودجه تأمین هردوی آنها را ندارند و اکثراً دختران هستند که ناچار به ترک تحصیل می شوند.

تاریخ بشر نشان می دهد از زمانی که مذاهب در جوامع بشری قدرت و حاکمیت پیدا کردند، یادگیری و آموزش برای زنان به میوه ممنوعه تبدیل شد. تقریباً همه مذاهب به نوعی زن را شرور و منشا فتنه دانسته و دانش زن را مضر به حال نظم عمومی جامعه می دانستند. در اروپا سران کلیسا رهبران مراکز مهم مذهبی خواندن و نوشتن را فقط برای راهبه ها مجاز می دانستند و در بسیاری از موارد زنانی را که دارای هوش و استعداد خاصی بودند و از خود تواناییهای چشمگیری نشان می دادند را به جرم جادوگری می سوزاندند. همانطور که در دنیای امروز و در قرن بیست و یکم بقایای این نوع ارتجاع در

کشورهای اسلام زده مانند افغانستان و پاکستان و غیره دختران دانش آموز بطور مدام مورد تهاجم هستند. زنانی که "خطر" تحصیل و یادگیری را به جان می خریدند و در دایره علما قرار می گرفتند بطور مداومی با دیوار سنگی و غیر قابل عبور جنسیتشان روبرو بودند. داستان ایسوتا نیگارولا و خواهرش که در ایتالیا در سالهای ۱۴۰۰ زندگی می کردند نمونه جالبی از تلاش زنان برای یادگیری و مقاومت جامعه مذهبی و مردسالار در برابر آنهاست. نیگارولا یکی از مشهورترین زنان اومانیست و نویسنده دوران رنسانس ایتالیا است که با نوشته هایش مخصوصاً نوشته ای که در مورد آدم و حوا است نقضهای داده شده جنسیتی به زن و مرد را زیر سوال می برد و بحثهای فراوانی در اینمورد به راه می اندازد. او به تحصیل زنان اهمیت ویژه ای میداد و الهام بخش نسلهای فراوانی از زنان بود. اما سنتهای ارتجاعی و مردسالارانه و مقاومت در برابر تحصیل زنان چنان دست بالا داشت که نهایتاً این زن برجسته را از عرصه فعالیت اجتماعی دور رانده و او را محکوم دیگران نمود. بقول ویرجینیا واتر وقتی در مورد زن جادوگری می خوانیم که سوزانده شده یا زنی که ادعا میشود شیطان در وحش حلول کرده است و یا زن هوشمندی که در حال فروش داروهای گیاهی است، آنوقت انسان نمیتواند به هزاران نویسنده بی نام و نشان و شاعران سرکوب شده و جین اوستینها و امیلی برونته هائی که صدایشان را این فرهنگ خفه کرده است، فکر نکند.

اما مبارزه زنان برای تحصیل و وارد شدن به عرصه زندگی اجتماعی هیچگاه تعطیل نشده و زنان فراوانی در طول تاریخ جنگیده اند و تلاش کرده اند و علیرغم تهدیدهای مرتجعین زمانشان مدارس دخترانه راه انداخته اند و تحصیل دختران را به جامعه مردسالار تحمیل کرده اند. از ماری وارد یک راهبه انگلیسی که بخاطر راه اندازی انستیتوی آموزشی برای زنان توسط کلیسای کاتولیک در یک سلول بدون پنجره زندانی شد و تا پای مرگ رفت تا ملالی یوسف زی در پاکستان که بخاطر عضویت در کمپین تحصیل زنان در پاکستان مورد حمله مرتجعین اسلامی قرار گرفته و زخمی شد تا هزاران و میلیونها دختر و زن جوان ایرانی که سالهای سال است با شرکت وسیع و چشمگیر خود در تحصیلات عالی مشغولند به دهن جمهوری اسلامی زده اند، زنان برای کسب دانش جنگیده اند و می جنگند چرا که می دانند کسب دانش و آگاهی اولین قدم در راه استقلال و پاره کردن قید و بندهای مذهبی و مردسالارانه است.

آمار بسیار بالای زنان و دخترانی که در دانشگاهها مشغول تحصیل هستند هشدار جدی برای سران جمهوری اسلامی است که می دانند در برابر موج میلیونی زنان در طول این سی و

چند سال حاکمیتش مداوماً به عقب رانده شده و نتوانسته است قوانین ارتجاعیش را به نرم جامعه تبدیل کند. به همین دلیل است که هر روز طرح جدیدی برای محدود کردن تحصیلات زنان و پس راندن آنها به پستی خانه ها می آورند. آخرین طرح رژیم برای ممنوع کردن بیش از هفتاد رشته تحصیلی برای زنان و تفکیک جنسیتی دانشگاهها بیش از هر چیزی ترس و وحشت رژیم را از جنبش بالنده و رو به رشد برابری طلبی و آزادی زن در ایران نشان می دهد. خیلی واضح است که اگر رژیم بخواهد از عهده چنین جنبشی برآید باید زنان را از دانشگاهها بیرون کرده و آنها را به کنج خانه ها برگرداند. تلاش برای کم کردن سن ازدواج دختران، تلاش برای محدود کردن وسایل جلوگیری و تبلیغ برای گسترش امت اسلامی و همچنین محدود کردن رشته های دانشگاهی برای دختران هم در راستای یک حرکت مشخص و آنهم سرکوب و به تمکین کشاندن زنان و به تبع آن سرکوب کل جامعه است. اما دانشگاه و مدرسه سنگرهای مهمی در مبارزه زنان برای رهائی از قید و بندهای مذهب و ارتجاع بر دست و پایشان هستند. زنان حاضر نیستند این سنگرها را به همین سادگی رها کرده و به آشپزخانه ها و چهاردیواری خانه برگردند.*

کتاب سرمایه (کا پی تال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این نلن ها با ایل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با

بانک بزدی (کانادا - آمریکا) : تلفن: ۰۰۱-۴۱۶-۷۵۹-۳۳۶۶
۰۰۱-۴۱۶-۴۷۱-۱۳۸

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زوی اصلی (غرب کانادا - ویکتوریا) : تلفن: ۰۰۱-۶۰۴-۷۷۷-۸۸۸۶
zariashi@yahoo.ca

ایمیل: zariashi@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۶-۰۳۲۳۳۹۳۱۷۱
ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۴۴۴
jililij@yahoo.com

مبین کوشا (آلمان) : تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۰۵۴۹
ایمیل: mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه

(کا پی تال)

جلیل جلیلی

ترجمه جمشید هادیان

اساس سوسیالیسم انسان است!

برنامه های مینا احدی در استکهلم و یوتبوری به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام

"مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نیت قتل کسی توسط کس دیگر." *متصور حکمت*

استکهلم: شنبه ۱۳ اکتبر
ساعت ۱۸ تا ۲۱
مکان: سالن اجتماعات شیستا
Kista Träff
تلفن برای اطلاعات بیشتر:
هوشیار سروش 0707120528

گوتنبرگ: یکشنبه ۱۴ اکتبر
ساعت ۱۴ تا ۱۸
مکان: سالن اجتماعات Viktoriahuset
طبقه سوم جنب سینما هاگا
با اسپورهای ۱ و ۶ ایستگاه Prinsgatan
تلفن برای اطلاعات بیشتر:
عبدالله اسدی 0737178819

**سخنرانی مینا احدی در استکهلم و یوتبوری
به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام**

بهمراه نمایش فیلم و عکس از یک دنیا فعالیت بین المللی علیه اعدامها در ایران، مروری زنده و جالب بر جنبشی گسترده علیه اعدام در ایران و شخصی که این مبارزات به جامعه و افکار عمومی زده است.

مکان: سالن اجتماعات viktoriahuset
با اسپورهای ۱ و ۶ ایستگاه prinsgatan
تلفن برای اطلاعات بیشتر:
عبدالله اسدی
۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹

Kista träff
تلفن برای اطلاعات بیشتر:
هوشیار سروش
۰۷۰۷۱۲۰۵۲۸
گوتنبرگ: یکشنبه ۱۴ اکتبر -
۱۲ ساعت ۱۴ تا ۱۸

شخصی که این مبارزات به جامعه و افکار عمومی زده است.

دستاورد های مبارزه علیه اعدام در ایران، نگاهی به فعالیتهای احزاب و سازمانهای مختلف و تاکیدی بر اهمیت مبارزه با اعدام در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی. از علاقمندان دعوت می کنیم در این نشست مهم حضور بهم رسانند.

استکهلم: شنبه ۱۳ اکتبر -
ساعت ۱۸ تا ۲۱
مکان: سالن اجتماعات شیستا

دست اول از زبان مینا احدی در مورد کمپین نجات کبرا رحمانپور، شهلا جاهد، نازنین فاتحی، دلارا دارابی، فاطمه حقیقت پژوه، افسانه نوروزی، عبدالله و محمد فتحی، ماکوان مولودی، فرزاد کمانگر، احسان فتاحیان، حبیب گلپری پور، زانیار و لقمان مرادی و ... کمپین نجات تروی دیویس از آمریکا.

به همراه نمایش فیلم و عکس از یک دنیا فعالیت بین المللی علیه اعدامها در ایران، مروری زنده و جالب بر جنبشی گسترده علیه اعدام در ایران و

در جنبش اعتراضی علیه اعدام در ایران، مینا احدی یکی از مهمترین و سرشناس ترین چهره هاست. امسال به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام، مینا احدی مهمان کشور سوئد است و در دو شهر استکهلم و گوتنبرگ سخنرانی خواهد کرد.

سی و سه سال مبارزه علیه اعدام نگاهی به کمپین های مهم علیه اعدام در ایران از زبان فردی که شبانه روز با این محکومین به اعدام در تماس بوده و با برخی از آنها تا آخرین لحظات همراه بوده است. نگاهی به کمپین های مهم علیه اعدام با خاطراتی

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!